

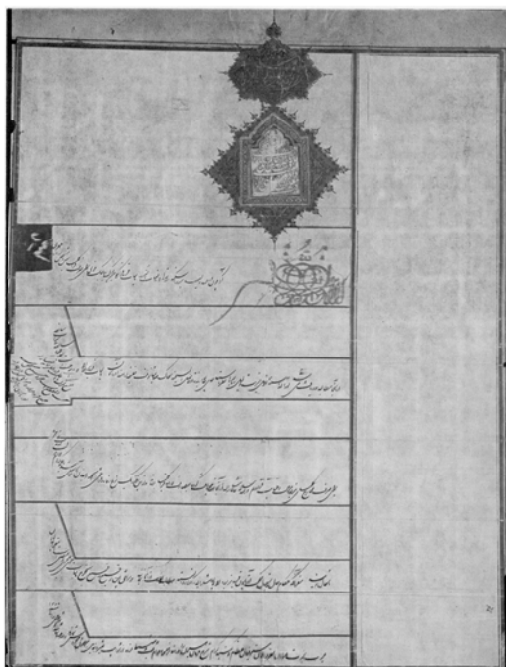
APAGA

Quarterly

آپاگا

فصلنامه

فصلنامه فرهنگی - اجتماعی مطالعات شرق شناسی ، ایرانشناسی و ارمنی شناسی
An International Journal of Oriental Studies



نمونه ای از فرامین

ISSN 1682-5438

شماره ۶۹ بهار (خرداد) ۱۳۹۶

No. 69, June 2017

آپاگا فصلنامه بین المللی ایرانشناسی و ارمنی شناسی

شماره ۶۹ بهار ۱۳۹۶

صاحب امتیاز و مدیر مسئول

ادیک باغداساریان

صندوق پستی شماره ۹۴۸۸-۱۵۸۷۵

تهران - ایران

نشانی اینترنت www.ApagaOnline.com و www.apagamonthly.4t.com

apaga98@hotmail.com

پست الکترونیکی

ISSN 1682-5438

فهرست

فارسی	جامعه ارمنی در ایران پس از شاه عباس
ارمنی	جنبش رهایی بخش در سیونیک و آرتساخ جنگ داخلی در ارمنستان شوروی و ماجراجویی ماه فوریه ۱۹۲۱
انگلیسی	حکومت ترور و وحشت - کشتار ارمنیان در عینتاب، تاراش و اورفا

مقالات و دیدگاه های مندرج در نشریه لزوماً بیانگر موضع "آپاگا" نیست.

نشریه در حک و اصلاح مقاله ها مجاز است.

مقالات و مطالب رسیده باز گردانده نمی شود.

استفاده از مطالب "آپاگا" با ذکر ماخذ آزاد است.

شمارگان ۱۰۰ بها ۵۰۰ تومان

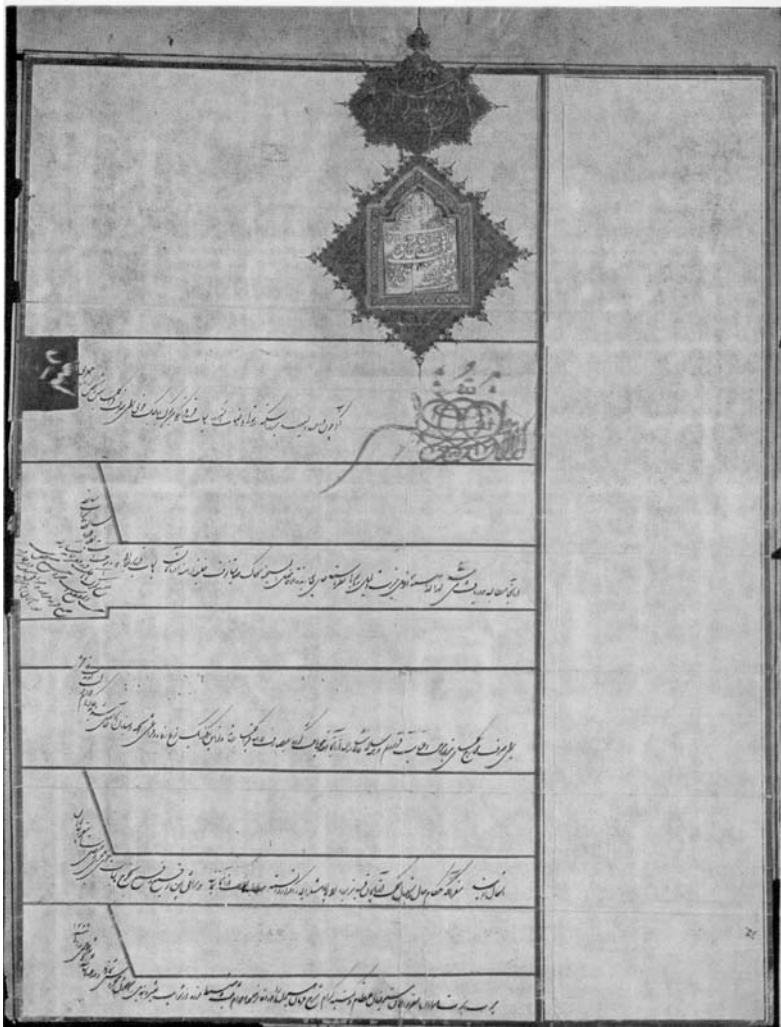
چاپ احسان-تهران چهارراه ولیعصر پلاک ۱۱۴۸

اوضاع ارمنیان پس از مهاجرت بزرگ

و پس از مرگ شاه عباس اول

ادیک باغداساریان

مقامات محلی ارمنستان شرقی، رهبران مذهبی کلیسای ارمنی را شاه عباس تعیین می کرد و طی فرمان هایی که امروز در دست داریم، امتیازاتی به آنها می داد. مجموعه فرامین پادشاهان ایران در مورد ارمنیان در کتابخانه نسخ خطی مسروپ ماشتوتس معروف به ماتناداران و نیز کتابخانه و موزه کلیسای وانک آمانپرکیچ جلفای نو نگهداری می شوند و قسمت اعظم آنان توسط پژوهشگران ارمنستان همراه با ترجمه ارمنی آنها در چندین مجلد چاپ شده و تاکنون انتشار آن ها ادامه دارد.



نمونه ای از فرامین

امیر گونه خان قاجار حاکم ایروان سعی بسیاری بخرج می داد تا روستاهای تخلیه شده حومه ایروان را صاحب سکنه کند و بدین علت نیز چندین بار به قارص، ارزروم، وان و نواحی موش لشکر کشی

نمود و تعداد زیادی از روستائیان ارمنی را به روستاهای تخریب شده دشت آرارات منتقل نمود. علی رغم دستور صریح شاه مبنی بر جلوگیری از کشت و زرع در اطراف ایروان و بویژه در نواحی مرزی، تا زمانی که با ترکان عثمانی پیمان صلح بسته نشده بود، امیر گونه خان مبتکر توانست شاه را قانع سازد و از او اجازه یابد در برخی نواحی کشت و کار کند.^۱

در اثر لشکرکشی های متعدد ترکیب جمعیتی و ملی استان های مرکزی ارمنستان بویژه مناطق مسطح و دشت ها دگرگون شد. اگر چه اکثریت رعیت های کشاورز ارمنی بودند، لیکن تعداد مهاجران کوچ نشین که در روستاهای تخریب شده یا تخلیه شده ساکن می شدند، کم نبود. این کوچ نشینان با ترک نحوه گذشته زندگی خود به صورت ساکنان دائمی این نواحی به کار کشاورز مشغول می شدند.^۲

امیر گونه خان ترجیح می داد رعایا و کشاورزان و روستائیان ارمنی داشته باشد زیرا در کنار انواع مختلف مالیاتهایی که از آنها می گرفت، از آنها می توانست بعنوان مسیحی مالیات «جزیه» نیز اخذ کند به همین دلیل نیز شاه موافقت نمود بار دیگر ارمنیان در روستاهای تخلیه شده سابق ارمنی اسکان یابند، زاکاریا سارکاوآک مورخ ارمنی سده ۱۷ به رفتار صمیمانه و دوستانه امیر گونه خان اشاره کرده است.^۳

در سال ۱۶۱۸م. ترکان عثمانی به فرماندهی درباردار **خلیل پاشا** به آذربایجان لشکرکشی کردند و غیر از خرابی های بسیاری که به بار آوردند، ۳۰،۰۰۰ نفر از ساکنان ارمنی و مسلمان مرنند، خوی، سلماس را به نواحی وان و دیاربکر منتقل کردند.^۴

در سال ۱۶۲۵ قیام بزرگی به فرماندهی **موروف کئوکی ساهاکادزه** در گرجستان بوقوع پیوست و در جنگ خونین با شورشیان، امیر گورخان زخمی شد و به ایروان بازگشت و در همان سال، پس از ۲۰ سال بیگبری جان خود را از دست داد. (۱۶۲۵-۱۶۰۵).

شاه عباس نیز در سال ۱۶۲۹ بدرود حیات گفت. زاکاریا سارکاوآک یک فصل کامل از کتابش را به آن اختصاص داده است.^۵

^۱ - اسکندر ترکان منشی. ج ۲، ص ۷۴۰.

^۲ - تاریخ ارمنستان. آکادمی علوم ارمنستان. جلد ۴، ص ۱۰۴.

^۳ - زاکاریا سارکاوآک. تاریخ. فصل ۲۸.

^۴ - آراکل داوریتسی. تاریخ. ص ۳۵۶-۳۵۵.

بلافاصله پس از مرگ شاه عباس نوه اش صفی (۱۶۴۲-۱۶۲۹) جانشین او شد. مطابق پیمان صلح استامبول (۱۶۳۹)، بغداد و عراق عرب به تصرف ترکان در آمد اما تغییری در مرزهای قفقاز داده نشد. یک دوره صلح و آرامش پدید آمد و زندگی اقتصادی و فرهنگی رشد و ترقی نمود.

در این دوران میزان صدور ابریشم ایران از طریق جاده های ترکیه افزایش چشمگیر یافت.^۵ استحکام مناسبات تجاری میان ایران و ترکیه و حمایت حکومت های صفوی و عثمانی باعث رشد سرمایه تجاری ارمنی گردید. به حکایت سیاحان اروپایی در میان ثروتمندان ارمنی جلفای نو افرادی با سرمایه ۶۰ تا ۲۰۰ هزار تومان وجود داشت. ارمنیان جلفای نو بیش از نیم میلیون تومان مالیات به خزانه دولت صفوی سرازیر می کردند.

شأن و مقام بازرگانان ثروتمند ارمنی نه تنها در جلفا بلکه در سطح کشور چشمگیر بود. رای آنان بویژه در انتخاب جانشین کل کلیسای ارمنی در اچمیادزین تعیین کننده بود.

حکومت صفوی اغلب کار هماهنگی مناسبات خارجی با اروپائیان را به ارمنیان واگذار می کرد.^۶ ارمنیان از دوران باستان همواره در ارتش ایران صاحب درجات عالی فرماندهی بودند. در زمان شاه عباس نیز چنین افرادی وجود داشتند از جمله الله وردی خان ارمنی سپهسالار ایران و فرزندش امام قلی خان (مسلمان شده) امیرالامرای لرستان، بحرین و جزایر خلیج فارس که پس از مرگ پدر در ۱۶۱۳ به امیرالامرای فارس رسید.^۷ ما در یک بخش مجزا کلیه فرماندهان عالی ارتشی ارمنی ایران را معرفی خواهیم کرد.

در زمان حکومت شاه صفی (۱۶۴۲-۱۶۲۹) و شاه عباس دوم (۱۶۶۶-۱۶۴۲) زندگی ارمنیان در ایران سیر طبیعی خود را طی نمود. سالهای حکومت شاه صفی بر اساس سفرنامه های اروپایی در هاله ای از ابهام قرار داشت. او به عنوان حاکمی مستبد و خون آشام، شهوتران، ناآگاه از علم و ادب، معتاد به تریاک یاد شده است. با این حال او در رفتارش با ارمنیان ملاحظت بسیار نشان می داد.

^۵ - زاکاریا سارکاواک. تاریخ. کتاب اول، فصل ۲۴.

^۶ - زاکاریا سارکاواک. کتاب دوم، فصل ۱۸.

^۷ - تاریخ ارمنستان. آکادمی علوم ارمنستان. جلد ۴، ص ۱۰۸.

^۸ - احمد اقتداری. کشته خویش. مجموعه پنجاه مقاله. تهران: ۱۳۵۷. ص ۱۴۵-۱۳۲.

شایان یادآوری است که بر اساس فرمان سال ۱۶۱۷ توسط شاه عباس مقام جاثلیق ملیک ست (Melikset) تصویب و تثبیت شد، لیکن او می بایست سالانه ۱۰۰ تومان بعنوان «پیشکش» به خزانه دولتی پرداخت می کرد.^۹ آراکل داوریتسی این ۱۰۰ تومان را «مقطع» نامیده و آن را بسیار سنگین دانسته است زیرا در نهایت این مبلغ را زحمتکشان روستایی باید پرداخت می کردند و نه کلیسا.^{۱۰} لیکن بر پایه درخواست خواجه نظر یکی از بزرگان ارمنی جلفا از شاه صفی، کلیسای اچمیادزین از پرداخت «پیشکش» صد تومانی معاف گردید. چند فرمان دیگر شاه صفی در مورد ارمنیان حکایت از حسن نظر او نسبت به ارمنیان دارد.^{۱۱}

بر پایه آگاهی های مبلغان کاتولیک کارملیت شاه صفی رابطه بسیار صمیمانه ای با ارمنیان داشت. حتی به منازل خواجه نظر و دیگر شخصیت های ارمنی به مهمانی می رفت با آنان ناهار صرف می کرد و از آنان هدایایی دریافت می نمود.^{۱۲} در زمان او فشار های مذهبی و ظلم و ستمی در قبال ارمنیان مشاهده نشده است.^{۱۳}

آدام اولتاریوس از یکی از سکوباها (اسقف ها) ارمنی ایروان شنیده بود که «برعکس ترکهای عثمانی، رفتار شاه صفی با مسیحیان بسیار قابل ستایش است».^{۱۴}

مهمترین رویداد در زندگی ارمنیان ایران در زمان شاه عباس دوم مربوط به فرمانی است که بر اساس آن ارمنیان ساکن شهر اصفهان به آن سوی زاینده رود، جلفای نو منتقل شدند. آراکل داوریتسی یک فصل کامل از کتابش را به این واقعه، دلایل و چگونگی آن اختصاص داده است. شاه فرمانی صادر و تهیه و مصرف شراب را ممنوع اعلام می کند.

^۹ - ۵. پاپازیان. فرامین فارسی. جلد ۲، ص ۹۳.

^{۱۰} - آراکل داوریتسی. ص ۱۸۰-۱۷۶.

^{۱۱} - همانجا. ص ۲۴۶-۲۴۵. فرامین، ص ۱۰۷-۱۰۴.

^{۱۲} - A Chronole of Carmelites in Persia & the papal Mission of XVII-th and XVIII-th centuries, 2 volums, eyre & spott is woode, London: 1939. vol.I, p. 308.

^{۱۳} - همانجا.

^{۱۴} - سفرنامه آدام اولتاریوس. مترجم احمد بهپور. تهران: ۱۳۶۳. ص ۱۰۷.

بر اساس یک فرمان دیگر که در کتابخانه موزه کلیسای وانک جلفای نو نگهداری می شود، منع مصرف مشروبات الکلی تنها به مسلمانان مربوط می شد و دستور داده شده بود تا کسی مزاحم ساکنان ارمنی اصفهان نشود و اجازه داده شود آنها در حد نیاز اقدام به تهیه شراب نمایند.^{۱۵} از آنجا که ارمنیان و مسلمانان در اصفهان کنار هم می زیستند لذا اجرای دستور عدم مصرف مشروب برای مسلمانان و آزادی آن برای ارمنیان مشکلاتی فراهم می سازد و به همین دلیل شاه تصمیم می گیرد ارمنیان به جلفا که کاملاً ارمنی نشین بود منتقل شوند تا آنان مشکلی از این نظر نداشته باشند.

بر اساس اطلاعات شاردن سیاح فرانسوی تعداد ارمنیان در اصفهان ۵۰۰ نفر بود^{۱۶}، اما کارملیت ها در سال ۱۶۵۸ اشاره کرده اند که تنها ۶ خانواده کاتولیک ارمنی در اصفهان وجود داشت^{۱۷}. بر پایه آگاهی های رافایل دومان، ارمنیانی که اجباراً از اصفهان نقل مکان کردند در شرایط سخت اقتصادی قرار گرفتند لذا برای نجات از این اوضاع تعدادی از آنان مجبور به تغییر مذهب می شده و بدین سان به هویت قومی خود پایان دادند^{۱۸}.

بر خلاف توصیه های ضد مسیحی اعتمادالدوله صدر اعظم، شاه جوان عباس دوم تحت تاثیر تحریکات او و همدستانش قرار نگرفت و با استفاده از تجربیات پیشینیان خود رفتار ملایمی با ارمنیان داشت و حتی اعتمادالدوله را از مقامش عزل نمود^{۱۹}. او به بزرگان حکومتی می گفت که ارمنیان قومی سازنده هستند و باعث ترقی کشور می شوند^{۲۰}.

آندره دلیه دلاند که در سالهای ۶-۱۶۶۴ به ایران سفر کرده بود نوشته است که ارمنیان در سراسر ایران آزادانه زندگی می کردند، هر گونه که میل داشتند لباس به تن می کردند، در حالیکه در ترکیه عثمانی آنان چنین آزادی هایی نداشتند زیرا کاربرد پارچه های گران قیمت و

^{۱۵} - آرشیو فرامین شاهان صفوی در کلیسای وانک.

^{۱۶} - ژان شاردن. ۵ جلد، تهران ۱۳۷۵-۱۳۷۲. جلد ۴ ص ۱۳۵۴.

^{۱۷} - Carmelites, vol.I, p. 382.

^{۱۸} - Raphael Du Mans, Estate de la Perse. En 1660.

^{۱۹} - ژان شاردن. ۵ جلد. تهران: ۱۳۷۵-۱۳۷۲. جلد ۴، ص ۱۶۵۵.

^{۲۰} - همانجا.

سبز رنگ بر ایشان ممنوع بود^{۲۱}. کارملیت های کاتولیک نیز نظر مشابهی در مورد رفتار و سیاست نیکوی شاه عباس دوم ابراز کرده اند. قابل ذکر است که پژوهشگران ارمنی در کتابهای خود ترجمه نادرستی از نوشته کارملیت ها بکار برده اند و همه نویسندگان بعد با نسخه برداری ناشیانه از این متن ها نظر کاملاً متفاوت از آنچه که کارملیت ها نوشته اند بیان داشته اند.

شاه عباس دوم جمعاً ۳۵ فرمان برای ارمنیان صادر کرده است (آنان که به دست ما رسیده). این فرمان ها کلاً به نفع ارمنیان و برای مبرا ماندن آنها از هر گونه فشار و اجحاف هستند. شاه عباس دوم از این ۳۵ فرمان، تعداد ۱۹ فرمان فقط برای ارمنیان اصفهان و جلفا صادر کرده است و در آن ها به معافیت یا تخفیف مالیاتی ارمنیان، عدم مزاحمت برای آنان، تقسیم زمین میان آنها، استفاده از آب، آزادی تهیه و مصرف شراب و آزادی مراسم مذهبی اشاره می شود^{۲۲}.

علی رغم این امتیازات و فرامین، آراکل داوریژتسی جنبه های منفی حکومت شاه عباس دوم و زمان او را بر شمرده است^{۲۳}.

شاه عباس دوم علاقه زیادی داشت تا از کلیساهای ارمنی جلفا دیدن کند. ژ. تاورنیه گواهی می دهد که قصد او از این بازدیدها دیدن زنان ارمنی بود. امری که گفته های داوریژتسی را تصدیق می نماید^{۲۴}. در صورتی که شاردن مرگ شاه عباس دوم را بلای آسمانی برای مردم ایران بویژه ارمنیان تلقی کرده است^{۲۵}.

پس از مرگ شاه عباس دوم، فرزندش سلیمان (۱۶۹۴-۱۶۶۶) جانشین او شد. ارمنیان در زمان او بصورت متوسط، نه چندان عالی و نه چندان بد در حد متعادل زندگی کردند و تجارت کماکان سیر ترقی خود را طی نمود^{۲۶}.

^{۲۱} - آندره دلپه دلاند، زیبایی های ایران. ترجمه دکتر محسن صبا. تهران: ۱۳۴۷. ص ۴۹.

^{۲۲} - مجموعه فرامین فارسی. ماتناداران ارمنستان. ج های ۴، ۳، ۲، ۱ و کتابخانه کلیسای وانک

جلفای اصفهان.

^{۲۳} - آراکل داوریژتسی. فصل ۵. ص ۶۵.

^{۲۴} - تاورنیه. ص ۴۰-۵۳۹.

^{۲۵} - ژان شاردن. ص ۱۶۰۴.

^{۲۶} - هاروتیون تر هوهانیانسیس. تاریخ جلفای نو. ج ۱. ص ۲۱۷.

در سال ۱۶۸۸ مبلغان کاتولیک در جلفا بر علیه کلیسای ارمنی ناآرامی ایجاد کردند و تلاش نمودند ارمنیان را به کیش کاتولیک در آورند. اما در اثر اعتراض بزرگان ارمنی و استپان رهبر مذهبی ارمنیان جلفا پادشاه کاتولیک های ژزوئیت را سرکوب و آنها را از کشور اخراج نمود و حاکمیت کلیسای ارمنی را تثبیت کرد.^{۲۷}

در مورد شهوترانی شاه سلیمان گواهی های بسیاری موجود است.^{۲۸} انگلبرت کمپفر نیز نوشته است: «در حرم شاه سلیمان زنانی از ملیت های مختلف وجود دارند. پارسی، ارمنی، گرجی، چرکز و...»^{۲۹}.

شاه سلیمان توجهی به رفاه و نحوه زندگی مردم نداشت بلکه تنها در پی امیال شهوانی خود بود. پس او سلطان حسین آخرین شاه صفوی (۱۷۲۲-۱۶۹۴) جانشین وی گردید. در زمان این شاه بی لیاقت و شهوتران اوضاع ارمنیان بدتر شد: «در اثر بی لیاقتی و شهوترانی او و در اثر تحریکات روحانیون مسلمان، شاه موافقت کرد قوم های غیر مسلمان به دین ایرانیان درآیند»^{۳۰}.

لیکن ارمنیان جلفا مستقیماً به شاه متوسل شده در خواست تجدید نظر می کنند. شاه سلطان حسین نیز فرمانی صادر می کند و ارمنیان را از تغییر اجباری مذهب معاف می کند.^{۳۱} در زمان شاه سلطان حسین در ۱۲ نوامبر ۱۷۰۸، او ۵۰۰۰ تومان از جامعه ارمنی طلب کرد. لیکن به درخواست آقا جعفر قلی سرپرست جلفا این مبلغ به یک هزار تومان کاهش یافت»^{۳۲}.

با این حال در مناقشه و اختلافات میان ارمنیان کاتولیک و گریگوری شاه از گروه اخیر یعنی کلیسای اصیل ارمنی حمایت می کرد.^{۳۳}

^{۲۷} - همانجا، ص ۲۱۸.

^{۲۸} - A - Chronicle of Carmelites, I, p. 408-409.

^{۲۹} - سفرنامه کمپفر آلمانی. ۱۷۵۷-۱۷۱۶. (اقامتش در ایران ۸۵-۱۶۸۳). ترجمه کیکاووس

جهانداری. تهران: ۱۳۶۳. ص ۲۶.

^{۳۰} - هاروتیون تر هوهایانتس. منبع یاد شده. ج ۱، ص ۲۲۰-۲۱۹. استپانوس تاریخنگار، ص ۵۰.

^{۳۱} - همانجا، ص ۲۲۸-۲۲۷.

^{۳۲} - همانجا، ص ۲۲۶.

^{۳۳} - فرامین. جلد ۲، ص ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۱، ۱۷۶، ۱۸۱، ۱۶۰، ۱۷۸.

* * *

اوضاع اجتماعی و اقتصادی ارمنیان در ربع آخر سده ۱۷ و اوایل سده ۱۸م. رو به وخامت نهاد. مالیات های اخذ شده از ارمنیان سنگین تر گردید زیرا دربار بی قید و بند صفوی در سده ۱۸ برای تامین بودجه مالیاتها را افزایش داد. از دیگر سو اربابان روستایی یا فتودال ها هر چه بیشتر از گذشته به ظلم و ستم و استثمار دهقانان ادامه می دادند. مسیر کاروان های تجاری ناامن شده حقوق گمرگی بازرگانان دو برابر گردید. در چنین شرایطی سطح معاملات و در آمد پیشه وران و تجار ارمنی به شدت کاهش یافت.

لشکرکشی افغانان و سقوط سیاسی دودمان صفوی مشکلات و مصائب بیشتری به کل جامعه ایران و بویژه اهالی ارمنی تحمیل نمود.

در زمان شاه عباس اول طایفه جنگجو و بزرگ غلجایی افغانی که در حوالی قندهار زندگی می کرد بارها در برابر شاهان صفوی شورش کرد. در اوایل سده ۱۸م. رهبر این طایفه شخصی میرویس نام بود. در این زمان بیگریک قندهار گرگین (گورگن) خان گرجی بود که پس از پذیرش اسلام، شهنواز خان نامیده می شد. در اثر رفتار نامناسب وی طایفه غلجایی تحریک به شورش شد و در نهایت شهنواز خان و همه نگهبانان او به فرمان میرویس در سال ۱۷۰۹ در اثر شکنجه مردند. در همین اوان فتوای مخفیانه ای از مکه دریافت داشت تا بر علیه شاه سلطان حسین شیعه قیام کند. میرویس به قیام خود رنگ مذهبی داد و توانست تمام افغانان و کلیه ملل سنی اقلیم شرقی را گرد خود جمع نماید. لیکن در سال ۱۷۱۵ می میرد و از انجام نقشه ناکام می ماند. برادر او میر عبدالله مخفیانه باشاه مراوده می کند و سعی می نماید آتش قیام را خاموش کند لیکن این امر بر طایفه غلجایی آشکار می گردد و او بعنوان خائن کشته می شود. پس از آن میر محمود فرزند میرویس بنا به وصیت پدر ریاست طایفه را بعهد می گیرد. در سال ۱۷۱۷ اصفهان آگاهی می یابد که هرات به تصرف افغانان در آمده و از یک ها به خراسان نفوذ کرده و ۶۰ هزار ایرانی را به اسارت گرفته اند. شاه دستور جمع آوری سپاه می دهد اما در این هنگام خزانه حکومتی خالی بود و او نمی تواند سپاهی بیشتر از ۵۰ هزار نفر که عمدتاً از روستاییان محلی بودند، گرد آورد. اولین حمله محمود در سال ۱۷۲۰ قرین موفقیت نبود. روز ۸ ماه مارس ۱۷۲۲ در حوالی روستای

گلون آباد^{۳۴} (در ۲۵ کیلومتری آن) لشکر ۱۲۰ هزار نفری افغان با سپاه ۵۰ هزار نفری ایران روبرو شد. پس از گلون آباد افغانها شهر ارمنی نشین جلفای نو را تصرف کردند. میر محمود افسانه ثروت های کلان ارمنیان جلفا را شنیده بود لذا مبلغ هنگفتی از ارمنیان جلفا طلب کرد. بعنوان خون بها ۱۲۰ هزار تومان در خواست نمود لیکن انجام این کار را ناممکن دانست و مجبور شد این مبلغ را به ۷۰ هزار تومان کاهش دهد. برای به جنگ آوردن این مبلغ افغانان خانه های ارمنیان جلفا را چپاول کردند. اهالی جلفا برای رهایی موقت از این وضعیت به هر صورت که می شد مبلغ ۲۱ هزار تومان جمع آوری کرده و برای بقیه مبلغ سفته و ۴۰ دختر می دهند.

شایان یادآوری است که پیش از حمله افغانها، قزلباشهای صفوی از ارمنیان خواستند به اصفهان بشتابند و کار نگهبانی از دربار را بعهده بگیرند. آنها بدین بهانه ارمنیان را از خانه هایشان بیرون آورده دارایی و اسلحه های آنها را غصب کردند^{۳۵}. زیرا دربار از نارضایی ارمنیان هراسناک بود و فکر می کردند آنان با افغانان همکاری خواهند نمود.

جونس هنوی^{۳۶} و دی سرکیس گیلاننتس^{۳۷} نیز همین مطلب را حکایت کرده اند.

«محمود سرانجام در قصر فرح آباد مستقر شد و لشکری به محله های ارمنی نشین گسیل داشت... آنها همه چیز را ویران کردند و هر که را دیدند به قتل رساندند»^{۳۸}.

بر اساس نوشته میکایل جامجیان اهالی جلفا ۲۱ هزار تومان و ۴۰ دختر به افغان ها دارند^{۳۹}. اما مطابق نوشته دی سرکیس ۱۷ هزار از ۷۰ هزار خواسته شده را پرداختند. لذا محمود

^{۳۴} - مارتیروس دی آراکل. وقایعنگاری. مجموعه مقالات علمی. جلد ۱. ماتناداران، ایروان: ۱۹۴۱ ص ۹۸-۹۷.

^{۳۵} - کروسینسکی. تا دوزیورا، سفر نامه کروسینسکی. مترجم عبدالرزاق دنبلی. با مقدمه مریم میر احمدی. ج ۱. تهران: ۱۳۶۳. ص ۵۵.

^{۳۶} - هنوی، جونس. هجوم افغان و نزول دولت صفوی. مترجم اسماعیل دولتشاهی. تهران: ۱۳۶۷. ص ۱۱۴.

^{۳۷} - دی سرکیس گیلاننتس. در باره حمله افغانان و سقوط اصفهان. اصفهان: ۱۳۷۱.

ص ۵۴.

^{۳۸} - دی سرکیس. ترجمه فارسی، ص ۵۹-۵۸.

سر ۴ نفر از بزرگان ارمنی را از تن جدا کرد: خاچیک (کلاتر) ، سارهاد (فرزند گریگور خالداریان)، مانوک و هاکیوجان فرزند سارهاد. ارمنیان سرانجام مجبور شدند ۵۳ هزار تومان بپردازند.^{۴۰}

در کلیساهای ارمنی جلفا سنگ های قبر تعدادی از ارمنیان وجود دارد که توسط افغانان کشته شده اند.^{۴۱}

پس از چند ماه محاصره اصفهان و مذاکره و جنگ شاه سلطان حسین روز ۲۳ نوامبر ۱۷۲۲ تاج خود را به محمود سپرد و شخص اخیر خود را شاه ایران نامید.^{۴۲} بدین سان افغانان وارد اصفهان شدند. افغانان بار دیگر خون بهای سنگینی از ارمنیان طلب کردند. از دیگر سو سه هزار نگهبان سلطان حسین را دستگیر و خود او را در یکی از قصرهای اصفهان زندانی نمودند.

استپانوس تاریخنگار اظهار کرده است که بیش از ۲۰ هزار نفر از ساکنان داخل اصفهان بعلت گرسنگی جان باختند.^{۴۳}

۲۲ آوریل ۱۷۲۵ محمود توسط یکی از نزدیکانش یعنی پسر عمویش میر عبدالله مشهور به اشرف خفه شد. رهبران افغان اشرف را به مقام شاهی رساندند. وی رفتار نسبتاً ملایم تر و دوستانه ای با ارمنیان جلفا در پیش گرفت. حتی او با درخواست اهالی برای معافیت کلیساها از پرداخت مالیات موافقت نمود.^{۴۴}

در این زمان ها سلطان احمد سوم عثمانی با آرزوی بچنگ آوردن قلمرو صفوی در سال ۱۷۲۳ با ۲۰۰ هزار سپاه خود نخست تفلیس را تصرف کرد آنگاه به سوی ایران حرکت نمود. همدان و کرمانشاه را نیز متصرف گردید و ساکنان محلی را به خاک و خون کشاند و هزاران دختر و پسر را به اسارت برد. در همدان که سیصد خانوار ارمنی زندگی می کردند پس از کشتار ترکها چند نفر بیشتر زنده نماندند. یک لشکر دیگر ترکیه به ایروان حمله کرد و آنجا را تصرف نمود.

^{۳۹} - Petros di Sarkis Gilanents, "Chronicle", translated by C.

Minasian, Lisbon, 1959, p. 36-37.

^{۴۰} - م. جامعیان. تاریخ ارمنیان. ج ۳ و نیز ۱۷۸۶. (چاپ مجدد در ایروان). ص ۷۸۲.

^{۴۱} - ه. ترهوهانیانتس. ج ۱، ص ۲۵۲-۲۵۰.

^{۴۲} - و. بایوردیان. تاریخ ایران. ایروان: ۲۰۰۵. ص ۳۴۵-۳۴۲.

^{۴۳} - ه. ترهوهانیانتس، ص ۲۵۳. استپان تاریخنگار، ص ۶۷.

^{۴۴} - م. جامعیان. تاریخ ارمنیان. جلد ۳، ص ۲۶۵.

۳۰ هزار ارمنی که نتوانستند خود را به دژ ایروان برسانند قلع و قمع و تعداد زیادی از ارمنیان همراه با گاو و گوسفندانشان به اسارت برده شدند. بعدها در سال ۱۷۲۵ ترکها دومین شهر بزرگ ایران یعنی تبریز را به تصرف خود در آوردند.^{۴۵}

در سال ۱۷۲۵ در ایران چند حکومت وجود داشت. اشرف بخش بزرگی از کشور را در اختیار داشت، ترکها منطقه ای را از همدان به طول ۸۲۵ کیلومتر تا مرزهای شمالی گرجستان در اختیار داشتند. روسها سواحل غربی دریای مازندران و استان گیلان را تصرف کرده بودند. و تنها بخش کوچکی در اختیار شاه تهماسب دوم در جنوب دریای خزر یعنی استان مازندران قرار داشت و حاکمیت او به سختی از سوی ساکنان محل شناخته می شد.

اشرف ترک ها را بزرگترین دشمنان خود می دانست. جنگ میان افغانان و ترکان عثمانی اجتناب ناپذیر بود. لشکر ۷۰ هزار نفری ترکها به اصفهان نزدیک می شد. اشرف بنا به توصیه فرماندهان ایرانی سیاست «زمین سوخته» را برگزید و مناطق میان قزوین و اصفهان را به بیابان تبدیل کرد لذا سپاه ترکان با مشکل تامین آذوقه روبرو شده مجبور گردید با اشرف مذاکره کند. این مذاکرات با پیمان صلح سال ۱۷۲۷ به پایان رسید. بر اساس این پیمان اشرف، سلطان احمد سوم را بعنوان رهبر عالی مذهبی مذهب سنی و رهبر دنیوی یا خلیفه به رسمیت شناخت و ترکها نه تنها مناطقی که مطابق پیمان صلح استامبول میان روسیه-ترکیه در ۸ ژوئیه ۱۷۲۴ یعنی آذربایجان و کردستان ایران بدست آورده بودند بلکه خوزستان و بخشی از ایران مرکزی با شهرهای زنجان، قزوین، سلیمانیه و تهران با حومه آنها را به چنگ آوردند.^{۴۶} به عبارت دیگر اشرف دو-سوم کل ایران را به ترکها داد. در مقابل همه این ها سلطان ترکیه اشرف را بعنوان شاه ایران به رسمیت می شناخت.^{۴۷}

در سالهای دهه ۱۷۲۰ ارمنیان سیونیک و قراباغ برای آزادی ارمنستان دست به مبارزه زدند و با قوای ترک درگیر شدند. در ابتدا تا سال ۱۷۲۶ شاه تهماسب هم بر علیه ارمنیان جنگید لیکن وی پی برد که برای مبارزه با ترکها به کمک ارمنیان نیاز داشت. لذا به خان های وفادار خود

^{۴۵} - و. بایوردیان. تاریخ ایران. ص ۳۵۰.

^{۴۶} - م. زولالیان. مسایل تاریخ ارمنستان بر اساس مولفان اوپایی، سده های ۱۸-۱۳م. جلد ۱، ایروان: ۱۹۹۰. ص ۱۹۷. همچنین «تاریخ ایران، از زمان باستان تا امروز». ص ۲۸۷.

^{۴۷} - ماردیروس دی آراکل، منبع یادشده. ص ۱۰۰-۹۹. بایوردیان، ص ۳۵۶-۳۵۵.

توصیه کرد که به یاری ارمنیان بشتابند. ارمنیان نیز از آن سوی رود ارس به کمک دفاع از تبریز در مقابل لشکر ترکها رفتند.

شاه تهماسب برای کسب کمکهای نظامی روسیه هیئتی را به پتربورگ فرستاد و ۱۲ سپتامبر ۱۷۲۳ سفیر او اسماعیل بیگ قرار دادی با روسها امضا کرد که مطابق آن داغستان و از باکو تا رشت را به روسها بخشید و متقابلا روسها به تهماسب قول کمک در مقابله با افغانها دادند از دیگر سو شاه تهماسب همچنین به منظور کسب پشتیبانی اروپائیان و در ادامه سیاست پدرش برای نزدیکی با اروپائیان، هیئت سیاسی تشکیل می دهد که شامل سعید حمزه بیگ، هوانس مگردیچ (از ارمنیان کاپوچینیان تبریز) و یغیا موشغیان (اهل کاربن) نماینده شرکت تجاری هند شرقی انگلیس در تبریز بود.

یغیا موشغیان در سال ۱۷۱۷ در تبریز مستقر شده بود و دفتر تجاری او با کشورهای اروپایی همکاری می کرد. در اوایل نوامبر ۱۷۲۳ زمانی که هنوز خبر انعقاد پیمان روسیه و ایران به شاه تهماسب نرسیده بود، این هیئت سیاسی شامل ۱۴ نفر ارمنی و ۵ ایرانی از تبریز راهی اردبیل و روز ۲۶/۲۵ نوامبر از آنجا به شهر رشت و ۲۹ مارس ۱۷۲۴ به آستراخان (یا هشتراخان) میرسند و سپس به سوی مسکو حرکت می کنند لیکن مقامات محلی در کاسیموف مانع از حرکت آنها می شوند، آنها (که تنها ۸ نفر باقی مانده بود) دستگیر شده زنجیر به دست به مسکو ارسال می گردند آنگاه به قلعه ای در نزدیکی پتربورگ منتقل می شوند. در سال ۱۷۳۶ یغیا اجازه می یابد از روسیه خارج شود، هوانس مگردیچ نیز او را همراهی می کند. اما زمانی که به لهستان می رسند از او جدا شده در یک صومعه گوشه نشینی بر می گزینند. یغیا دو سال در لهستان می ماند آنگاه از طریق دانمارک و هلند راهی فرانسه و ایتالیا می گردد با این امید که همکاران شرکت هند شرقی در پاریس و پاپ رم به سفارت او کمک خواهند نمود. لیکن با بی تفاوتی سردی روبه‌رو می شود بناچار به ایران باز می گردد.

در این سالها حکومت به نادر شاه منتقل شده بود. او سعی می کند ۴۳۲ تومان^{۴۸} امانتی که نزد حکومت ایرانی گذاشته بود، پس بگیرد لیکن به او توصیه می شود از این کار صرف نظر نماید زیرا نادر شاه سردشمنی با شاه تهماسب داشت. یغیا مدتی نیز در مشهد زندگی کرده سپس به اصفهان و تبریز می رود و در نهایت در حال ورشکستگی به زادگاهش کاربن (ارزروم) در ارمنستان

^{۴۸} - یک تومان در آن زمان برابر یک روبل طلا بود.

غربی اشتغالی باز می گردد. و مادر و برادرانش را نیز در قید حیات نمی یابد. لذا به روستای پدری **خودرچور** می رود و زندگی نامه خود را به رشته تحریر در می آورد.^{۴۹}

شاه تهماسب چند فرمان برای حمایت از منافع ارمنیان صادر کرده است. بر اساس فرمان سال ۱۷۲۰ او ادعای ارمنیان تازه مسلمان از دارایی های پدری را ممنوع کرد.^{۵۰}

در یک فرمان دیگر (۱۷۳۱) شاه تهماسب امتیازات جاثلیق آبراهام خوشابتسی را تثبیت می کند^{۵۱} و در فرمانی دیگر کلیه فرمانهایی را که پادشاهان پیشین صفوی برای اچمیادزین مقدس داده بودند مورد تأیید مجدد قرار می دهد.^{۵۲} با این حال باید یادآور شد که حکوت شاه تهماسب دوم شامل اصفهان پایتخت و مناطق مرکزی ایران نمی شد، و حتی اختیارات حکومت او در نواحی شمالی و شمال غربی کشور موثر اثر نبودند.

در باره کلیسای ارمنی نیز باید یادآور شد که پس از انقراض حکومت ارمنی باگراتونی در ارمنستان (۱۰۴۵م). رهبران کلیسای ارمنی در اچمیادزین از منافع ارمنیان در نزد شاهان ایران و سلطان های ترک نمایندگی و حمایت می کردند.

^{۴۹} - بابکن چوکاسزیان. سفارت اروپایی یغیا موشغیان. مجله بررسی های تاریخی. ایروان: ۱۹۱۷.

شماره ۴، ص ۹۱-۸۲.

^{۵۰} - فرامین فارسی. ج. ۳. ص ۱۸۳-۱۸۲ و ۱۸۶.

^{۵۱} - همانجا. ص ۱۸۶-۱۸۴.

^{۵۲} - همانجا. ص ۱۸۷.